

نقش محبت والدین در تربیت فرزندان از دیدگاه اسلام

فاطمه بیات^۱

چکیده

محبت به معنای دوست داشتن و علاقه قلبی به چیزی است که محبت به آن چیز تعلق میگیرد و تربیت به معنای پروراندن توانایی ها و استعدادها در جهت هدف مربی می باشد؛ محبت نه تنها در تربیت مؤثر است، بلکه یکی از مهمترین و اساسی ترین روشهای تربیت، محبت می باشد، خواه متعلق تربیت نفس باشد و یا غیر نفس باشد.

در این زمینه بسیاری از علما و دانشمندان مطالب ارزنده ای ارائه نموده اند که البته این مطالب در لابه لای مطالب اخلاقی یا تربیتی دیگر بیان شده است و کم تر مجموعه ای را می توان یافت که به طور خاص به موضوع مورد نظر پرداخته باشد. این مسأله موجب شد تا انگیزه ی من برای جمع آوری مطالب و تدوین آنها تحت عنوان مذکور افزایش یافته و چندی در این مقوله تلاش نمایم و ما حاصل آن مجموعه ای است که در مقابل شماست و در آن سعی شده نقش محبت به طور خاص بر تربیت فرزند بیان شود.

در نتیجه به این مهم دست یافتم که محبت در تربیت امری الزامی می باشد و از نیازهای اساسی انسان از ابتدای تولد تا پایان عمر او می باشد. البته به این نکته نیز واقف شدم که ابراز محبت چهارچوب مشخصی دارد که می بایست در همین چهارچوب اعمال محبت شود و خارج شدن از آن عواقب متعددی را خواهد داشت که ممکن است نتیجه معکوس در پی داشته باشد. به طور مثال والدین در تربیت فرزندان محبت را آنقدر اعمال نکنند که موجب بی اثر شدن آن و خارج شدن از چهارچوب تربیتی گردد، بلکه رعایت اعتدال شود.

کلید واژه: تربیت، محبت، محدوده محبت، والدین.

۱- طلبه سطح ۲، حوزه علمیه خواهران حضرت عبدالعظیم حسنی.

مقدمه:

محبت که از ریشه ی حب گرفته شده به معنای دوست داشتن و علاقه قلبی است و در اصطلاح به معنای کشش و میل به چیزی که متعلق محبت فرد قرار می گیرد، می باشد. تربیت نیز از ریشه ی (ربو) گرفته شده که به معنای پروراندن است و در اصطلاح به معنای فعالیت و تلاشی که با قصد و بدون قصد برای باور کردن استعداد شخصی که مورد تربیت قرار می گیرد، می باشد. آنچه مسلم است در امر تربیت عوامل و روش های متعددی تأثیر گذار است که یکی از این ها محبت می باشد و محبت هم جایگاه و نقشی در تربیت دارد ولی این که جایگاه آن تا چه حدی است امری است که در این مجموعه به آن پرداخته شده است.

در زمینه ی موضوع مقاله به منابع متعددی چون پایان نامه ها و کتاب های اخلاقی، تربیتی و رجوع کردم عنوانی برابر با عنوان خود نیافتم. با توجه به اینکه متعلق تربیت می تواند ذات و غیر ذات باشد. در اکثر منابعی که به آنها رجوع کردم به یک بعد قضیه پرداخته شده بود مثلاً در کتاب ادب فنای مقربان نوشته ی آیت الله جوادی آملی در مورد رابطه محبت به خدا و اولیاءالله در تربیت نفس به مطالبی دست پیدا کردم و یا در کتاب اخلاق در قرآن آقای مصباح یزدی نیز در مورد آثار معرفت انسان به خدا توانستم نکاتی را جمع آوری کنم و در اکثر کتاب های تربیتی تنها به مسأله تربیت فرزند پرداخته شده بود، بنابراین بنده با توجه به هدفی که در این مجموعه دنبال می کردم سعی کرده ام به جمع آوری و چینش این مطالب کنار یکدیگر و برقراری ارتباط بین آنها بپردازم البته در این زمینه کتاب آیین مهرورزی آقای محمدرضا کاشفی کمک زیادی به چینش مطالب من کرد، با این تفاوت که ایشان نقش محبت را در زمینه های مختلفی چون تربیت نفس، تربیت فرزند، روابط زناشویی، محبت والدین و غیره پرداخته بودند اما در این مجموعه فقط به جایگاه محبت در تربیت نفس فرزندان ولی به طور مفصل تر پرداخته شده است.

در تربیت فرزندان مشاهده رفتارهای غیر متعادل در میان انسان ها که نشأت گرفته از کمبود و یا ازدیاد محبت است من را بر آن داشت که به جمع آوری این مجموعه روی بیاورم.

هدف از خلقت انسان رسیدن به کمال می باشد و آنچه این مسیر را برای او هموار می سازد تربیت صحیح می باشد. خواه تربیت نفس و یا غیر نفس ولی آنچه مسلم است اگر فردی بخواهد

مربی خوبی برای دیگران باشد در مرحله اول باید خود را تربیت کند. در تربیت هم عوامل مختلفی دخیل هستند که محبت همانند شیرازه‌ای این عوامل را به یکدیگر پیوند می‌دهد و تربیت صحیح بدون در نظر گرفتن نقش محبت در حقیقت مانند برگه‌های از هم گسسته است که هر کدام به تنهایی ارزشمندند ولی انسجام و کارایی لازم را ندارند.

نکته قابل ذکر این است که هرچند محبت دارای جایگاه ویژه و خاص در تربیت است ولی قطعاً دارای محدودیت‌هایی است که این مجموعه با هدف مشخص کردن این محدوده‌ها جمع‌آوری شده است.

این مقاله به روش توصیفی کاربردی گردآوری شده است.

مفهوم شناسی

محبت در لغت و اصطلاح

معانی متعدد لغوی برای محبت ارائه شده است اما در میان تعاریف لغوی ارائه شده برای محبت وجه اشتراکی وجود دارد که آن به معنای دوست داشتن و علاقه قلبی می‌باشد.

اما در اصطلاح، محبت از ریشه حب و ضد بغض است در روایات نیز حب و بغض مقابل یکدیگر به کار رفته است.^۱

همچنین محبت در مقابل کراهت نیز آمده است و عبارت است از میل و رغبت به چیزی که دریافتن آن سبب لذت و راحت باشد.^۲

۱- محمد، ری شهری، ز میزان الحکمه، ج ۲، چاپ ۷، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، سال ۶۸، ج ۳۲۵۷، ص ۴۲۶

۲- عباس، قمی، خلاصه معراج السعاده، موسسه در راه حق، قم، چاپ اول، ص ۲۰۰

تربیت در لغت و اصطلاح

تمام معانی لغوی ارائه شده برای تربیت به گونه‌ای دربرگیرنده معنای پروراندن می‌باشد که معنای مد نظر ماست در اصطلاح نیز، هر مکتب متکی بر مبانی خود تعریف ویژه برای تربیت ارائه می‌کند شاید بتوان قدیمی‌ترین و روان‌ترین و در عین حال ساده‌ترین تعریف را به افلاطون نسبت داد وی می‌گوید تربیت زیباترین چیزی است که در بهترین انسان‌ها آشکار می‌شود^۱

در نهایت تعریف اصطلاحی تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب.^۲

فرزند و نیاز محبت

فرزند موهبتی است الهی که پدر و مادر باید در پرورش او تمام سعی و تلاش خود را به کار بگیرند، روش محبت از نیکوترین روشهای تربیتی است حال در این قسمت به بیان رابطه ی تربیت فرزند و محبت می پردازیم.

رابطه تربیت و محبت به فرزند از دیدگاه اسلام

از مهمترین عوامل تربیت فرزندان سیراب کردن آنها از مهر و محبت است. اثر محبت در رشد روانی فرزندان مانند اثر نور و حرارت در رشد دانه ی گیاهان است، هیچ عاملی به اندازه ی محبت در نرم کردن دلها مؤثر نیست.^۳

۱- آویبوری، لرد، در جستجوی خوشبختی، ص ۱۰۷

۲- محسن، شکوهی یکتا، تعلیم و تربیت اسلامی، شرکت چاپ و نشر ایران، ص ۵

۳- محمدعلی، سادات، آموزش خانواده (رفتار والدین با فرزندان)، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان

جمهوری اسلامی، چاپ ۳، پاییز ۷۳، ص ۴۳

رشد معنوی و تربیت اخلاقی مستلزم پرورش سالم

عواطف و هدایت صحیح احساسات آدمی است. عواطف انسانی آنگاه که از قدرت، سرعت و نشاط کافی برخوردار نباشد و نیز احساسات تند و پر شور در صورتی که واقع بینانه و منطقی در مسیر صحیح هدایت نگردد، رشد و تربیت نیز طبعاً از جامعیت و کمال لازم برخوردار نخواهد گردید، بلکه در مواردی اصل حرکت با مخاطرات جدی مواجه خواهد شد.

بخش مهمی از وظیفه و مسئولیت پدر و مادر نسبت به فرزندان را پرورش و تقویت عواطف انسانی و درک و هدایت احساسات آنان تشکیل می دهد و این جز در سایه ی مراقبتی دائمی، تماس و ارتباطی سرشار از مهر و لطف و عنایتی لبریز از عاطفه و احساس میسر نخواهد گردید.^۱ مهر و محبت نه تنها وسیله ی سازش جوانان و بزرگسالان در سطح خانواده و کشور است، بلکه این نیروی شگفت انگیز میتواند تمام انسان ها را در سطح جهانی باهم مرتبط کند و موجبات صلح و صفا، سازگاری، تفاهم، امنیت و آسایش را برای همه ی ملل و اقوام بشری فراهم سازد.

عن ابی الحسن (ع) قال:

«ان اهل الارض لمرحون ما تحاجوا وادّوالامانة وعملوا الحق»^۲

«تمام مردم روی کره زمین مشمول رحمت و فیض الهی هستند مادامی که با این سه اصل عمل کنند: بشر دوست باشند، در اما نت ها خیانت نکنند، عملاً پیرو حق و عدالت باشند.»

درس بشر دوستی را باید از کودکی فراگرفت. پدر و مادری که در شیوه ی تربیتی خود محبت را در رأس روش ها قرار میدهند و نسبت به کودک خود مهربان هستند، می توانند به او بفهمانند که دیگران را دوست بدارد.^۳

نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که والدین برای استفاده از روش محبت در تربیت

۱-عباس، اسماعیلی یزدی، فرهنگ تربیت، ص ۲۹۴

۲-مرتضی، فرید تنکابنی، الحدیث، ج ۳، ص ۱۷۸

۳-مرتضی، فرید تنکابنی، الحدیث (روایتی از مکتب اهل بیت(ع))، ص ۱۷۷

طبق مطالب بیان شده ضررهای ناشی از افراط در محبت گاهی جبران ناپذیر است بنابراین والدین باید به این نکته توجه داشته باشند که علاوه بر برطرف کردن نیاز روحی کودک و محبت به او از حد اعتدال خارج نشده تا آینده ای درخشان را برای فرزندان خود رقم بزنند.

تفریط در محبت

در مبحث گذشته یادآور شدیم، همانگونه که پرخوری جسم انسان را دچار نقصان می کند، افراط در محبت هم رشد روحی و جسمی را دچار اختلال خواهد کرد بنابراین تفریط در محبت درست مانند کم خوری که سبب بیماری هایی چون سوء تغذیه می شود و بیماری های روحی و روانی را به دنبال خواهد داشت که در اینجا به آن ها اشاره خواهیم کرد .

عوارض تفریط در محبت

۱. در جنبه زیستی- جسمانی

بررسی های روانپزشکان نشان داده است کودکانی که از نظر محبت دچار کمبود و نارسایی هستند، به عوارض مبتلا می شوند که از جمله ی آن بی اشتها، بی خوابی، فریاد در خواب، شب ادراری، تقلیدهای بی مورد، ادا و اطوارهای نادرست برای نمایاندن خود و جلب محبت است.

اینگونه کودکان دوست ندارند با دیگران به جست و خیز بپردازند و بگویند و بخندند! ^۱

۲. در جنبه ی اخلاقی

کودکان گرفتار کمبود محبت، همواره عصبانی و، ناراضی، دچار تندخویی و خشونت هستند، به هیچ کس رحم و شفقت ندارند و نسبت به همه کس و همه چیز بدخواهند. احساسات آنها در مسیر غلط و توجهشان منحصراً در مسیر رفع نیاز شخصی است.

این کودکان به اصول اخلاق پایبندی ندارند، میل به تخریب، ضرب و جرح، آسیب رساندن،

حرکت علیه خود و دیگران و بدگمانی نسبت به غیر در آنان بسیار است. در جنایت بی باکند و از اعمال قهر و خشم نگرانی ندارند.

بدون تردید کودکی که از محبت والدین محروم است و یا از آنها کم محبت دیده، همواره تشنه محبت است. در نتیجه به هر کس پناه میبرد و به هر محبت واقعی یا تصنعی تسلیم می شود. راز انحراف بسیاری از دختران و تسلیم آنها به فحشاء و نیز هم جنس بازی بسیاری از پسران بر این اساس است زیرا آنها با دنیایی از مهر و محبت جدید مواجه و فوری تسلیم می شوند.^۱

۳. در جنبه ی روانی

کودکی که طعم محبت پدر و مادر را نچشیده باشد، لذت نوازش و عاطفه مادری و یا پدری را احساس نکرده باشد، حلاوت لبخند و خنده مهربانانه والدین خود را هرگز ندیده باشد، یقیناً روانی متعادل نخواهد داشت و این کمبود محبت بصورت یک عقده روانی در روان او باقی خواهد ماند. جنبه هایی چون اختلالات روانی و حتی ابتلائات روانی آنان را رنج می دهد، دچار افسردگی و تزلزل روانی اند. در سنین بعدی و حتی در جوانی ممکن است میل به خودکشی در آنان تقویت شود

و به بهانه ای پوچ بدان امر اقدام کنند. در برخی از آنان حالت بی تفاوتی ناشی از دوران رنجوری به چشم می خورد، طوری که کمترین احساسی در رابطه با آنچه که برایشان پدید می آید ندارند. برخی از روانپزشکان بر این عقیده اند که کمبود محبت در دوران کودکی سبب عقده روانی در او شده و در دوران بلوغ به صورت های مختلف در آنان متجلی می گردد، ابتلائی به بیماری های روانی چون اسکیزوفرنی و یا هیستری، خود نموداری از این حالت است.^۲

در نتیجه ضررهای ناشی از بی مهری والدین به فرزند، کمتر از ضررهای محبت افراطی نیست؛ بنابراین والدین باید خود را ملزم به رعایت تعادل در ابراز محبت به فرزندان کنند تا آسیبی از این جهت متوجه فرزندشان نباشد.

۱- علی، قائمی، نقش مادر در تربیت، ص ۸۲

۲- علی، قائمی، کودک و خانواده نابسامان، ص ۷۴

اعتدال در محبت

اعتدال برگرفته از «عدل» است. از معانی عدل میانه روی در امور می باشد. اگر چیزی دو طرف مساوی داشته باشد، بر آن اطلاق اعتدال می شود.

اعتدال رعایت حد وسط در بین حالت افراط و تفریط و نیز مراعات تناسب و هماهنگی در امور است. مقابل عدل و اعتدال، ظلم قرار دارد. ظلم، قرار دادن چیزی در غیر جای خود است. نتیجه می گیریم که عدل و اعتدال، قرار دادن هر چیزی در جای خود و به جا آوردن هر کاری بدون گرایش به افراط و تفریط است.^۱

اعتدال در محبت برای تربیت فرزندان هم بدین معنی است که محبت در جای خود قرار گیرد یعنی کاملاً پنهان باشد و نه اینکه جلوی دیدگان پدر و مادر را آنچنان بگیرد که هرگز اعمال و رفتار بد و نابجای فرزند را نبینند و تذکرات لازم را به او ندهند.

قطعاً محبت سفارش شده در روایات و محبتی که لزوم آن در تربیت ثابت شد، همین محبت معتدل است و چنین محبت است که آثار مطلوبی در شخصیت فرزندان بر جای خواهد گذاشت. یکی از آثار مثبت محبت به جا، این است که کودکانی که طعم شیرین محبت به جا را چشیده اند، روحیه ای باز و با نشاط داشته و منزوی نیستند. در اجتماع، فعال حاضر می شوند و شکست های کوچک آن ها را به راحتی از پا در نمی آورد. از موفقیت های دیگران شاد می شوند و خود پیوسته بدنبال کسب موفقیت های بیشتر هستند.

از دیگر آثار مثبت محبت معتدل این است که از آنجا که زندگی همواره توأم با مشکلات، ناملایمت، مصائب و گرفتاری هاست، کودکی که با آلام و دشواری های مختصر زندگی مواجه می شود، اگر پدر و مادر بی جهت نازش را نخرند و بی مورد حمایتش ننمایند، خود به فکر چاره جویی افتاده، افکار خویش را به کار می اندازد و با صبر و بردباری، مشکلات را پشت سر می گذارد؛ چنین کودکی در جوانی مرد کار و فعالیت بوده، در مقابل سختی های طاقت فرسا نیز مقاومت خواهد کرد. نکته قابل ذکر این است که کودک گرچه از شیر ی جان ما تغذیه می کند و وجودش گلی است بر

۱- ره توشه راهیان نور ویژه ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۷، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم،

درخت وجود ما، لیکن ناگزیر است گیاهی مستقل گردد. از این رو باید ریشه ها و شاخه های کوچکی را که او را به ما متصل ساخته، تدریجاً قطع نماییم تا این اتصال، مانع رشد و نموّش نگردد. بنابراین والدین گرامی اگر می خواهند فرزندان موفقی در زندگی فردی و اجتماعی داشته باشند، باید بدانند که محبت گرچه لازمه ی تربیت کودکان است ولی زمانی می تواند مفید واقع شود که افراط و تفریط در آن راه نیابد و به جا و در حد اعتدال باشد.

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش محبت والدین در تربیت فرزندان از دیدگاه اسلام است. تربیت فرزند به عنوان یکی از شاخص های تعالی جامعه همواره مورد توجه اسلام بوده است و این مهم در آثار اندیشمندان اسلامی به وضوح قابل مشاهده است. برای تربیت مطلوب فرزند در اسلام روش های گوناگونی بیان شده است که در این مقاله به یکی از مهمترین این روش ها یعنی روش محبت می پردازیم، از آنجایی که محبت نیاز اساسی کودک می باشد و والدین اولین تکیه گاه عاطفی کودکان هستند به کارگیری روش محبت در تربیت فرزندان الزامی است اما روش محبت تنها در صورتی منجر به تربیت مطلوب خواهد شد که همراه با ابراز محبت باشد و از حد اعتدال خارج نشود.

از مهمترین یافته های این مقاله که با تکیه بر دیدگاه اسلام در به کارگیری روش محبت در تربیت فرزندان است، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. محبت همان کشش و جاذبه ای است میان محب و محبوب واقع می شود و تربیت هم به معنای پروراندن استعدادها می باشد.
 ۲. روش های تربیتی فراوانی وجود دارد که هر مربی با توجه به هدف خود و نیاز متربی از آن روش بهره مند می شود اما روش محبت بهترین و اساسی ترین روش هاست و شاید بتوان گفت شیرازه و اساس روش های دیگر می باشد.
 ۳. محبت در تربیت امری الزامی است.
 ۴. محبت نیاز اساسی کودک است که در مرحله اول باید توسط پدر و مادر او تامین شود.
- والدین در اعمال محبت باید نکاتی را رعایت کنند که عبارت است از اینکه:

- الف) باید در ابراز محبت عدالت را میان فرزندان رعایت کنند.
- ب) باید در ابراز محبت اعتدال را رعایت کنند و از افراط و تفریط خودداری کنند.

۵. از آنجایی که والدین اولین تکیه‌گاه عاطفی کودکان هستند بنابراین تغذیه عاطفی کودکان از جانب آنها نقش اساسی در تربیت آنها دارد به همین خاطر والدین باید بدانند که اولاً محبت نیاز اساسی کودکان است و ثانیاً برای برطرف کردن این نیازها باید طبق فرمول خاصی عمل کنند یعنی نه زیاده‌روی و نه کم‌روی در این امر داشته باشند بلکه محبت در حد اعتدال زمینه ساز تربیتی مناسب برای کودکان است.

فهرست منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۱
۴. امینی، ابراهیم، آیین تربیت، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵
۵. باقری طاقانکی و ناصر نژاد، برای تمام خانواده‌ها، تهران، انتشارات فصیح، ۱۳۸۶
۶. حسینی زاده، علی، تربیت فرزند، ج ۱، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴
۷. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ره توشه راهیان نور قم، قلم مکنون، ۱۳۸۷
۸. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، تهران، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۶
۹. فرید تنکابنی، مرتضی، الحدیث، ج ۳، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵
۱۰. قائمی، علی، کودک و خانواده نابسمان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۶
۱۱. قائمی، علی، نقش مادر در تربیت، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۸۶
۱۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، موسسه الوفا بیروت، لبنان، دارالتعاریف للمطبوعات، بی‌تا